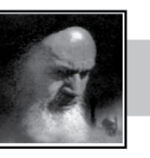
درمکتب امام



به حال مردم برسیم

باید ما فکر باشیم که خودمان را در بین این تلاطمی که در دنیا هست حفظ کنیم و حفظ به این است که به اسلام گرایش پیدا کنیم و به احکام اسلام گرایش پیدا کنیم و به حال این مردم فقیر برسیم و به حال این اشخاصی که زحمت دارند برای این ملت می کشند، به حال اینها، دولت برسد.

صحیفه امام؛ ج۱۷؛ ص۳۸۵ | جماران؛ ۱ فروردین ۱۳۶۲

گزارش روز دویست و شصتم جنگ

روز سخت برای کشتی‌های متخلف در تنگه هرمز

در بامداد روز دویست و شصتم جنگ خبر انهدام دو کشتی متخلف در تنگه هرمز منتشر شد. روابط عمومی نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اعلام کرد دو فروند نفتکش که با سامانه‌های راداری و موقعیت‌یاب خاموش، به‌طور مخفیانه سعی در تردد از مسیر غیرمجاز تنگه هرمز را داشتند، با اصابت به مین دریایی منفجر و دچار آتش‌سوزی شدند.

سپاه ساعاتی بعد تصاویر آتش‌سوزی و انفجار در این نفتکش را نیز منتشر کرد. مدتی بعد نیروی دریایی ارتش نیز از انهدام یک کشتی متخلف در تنگه هرمز خبر داد. طبق اعلام نیروی دریایی ارتش یک نفتکش متخلف که بی‌توجه به هشدارهای قبلی، با خاموش کردن سامانه‌های ردیابی و شناسایی در منطقه نا امن و ممنوعه شرق تنگه هرمز تردد می‌کرد، بر اثر برخورد با مین دریایی، دچار آتش‌سوزی و متوقف شد.

نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی در ادامه آورده بود: «بدون شک، هر نفتکش متخلفی که در منطقه ممنوعه در شرق تنگه هرمز تردد کند، با برخورد به مین‌های دریایی دچار آتش سوزی خواهد شد. مایه تاسف است که صاحبان نفتکش‌ها، بدون عبرت گرفتن از سرنوشت دیگر شناورهای متخلف، با اعتماد به یاوه‌سرایی‌های رئیس‌جمهور جنایتکار آمریکا، سرمایه خود را به جنگ مین‌ها فرستاده و درون آتش می‌اندازند.»

ظهر دیروز روابط عمومی نیروی دریایی ارتش از انهدام یک نفتکش دیگر در شرق تنگه هرمز خبر داد. بنابر این اطلاعیه یک نفت‌کش متخلف دیگر، در منطقه ممنوعه شرق تنگه هرمز، بر اثر برخورد با مین دریایی، دچار آتش‌سوزی شد. این اطلاعیه تأکید می‌کرد تأکید کرد شرق تنگه هرمز کاملا در کنترل و رصد نیروی دریایی ارتش است. آتش سوزی و انفجار، سرنوشت کشتی‌های متخلفی است که سامانه‌های ردیابی خود را خاموش کرده و در مناطق ممنوعه تردد می‌کنند.

شاید بتوان از این اطلاعیه نتیجه گرفت نیروی دریایی سپاه و ارتش در هماهنگی کامل با یکدیگر به تقسیم وظایف مشخصی رسیده‌اند که طی آن رصد و عملیات در شرق تنگه هرمز و دریای عمان به دلاورمردان ارتش جمهوری اسلامی ایران سپرده شده است. آنچه قطعی به نظر می‌رسد جدیت و قاطعیت نیروهای مسلح ایران در برقراری نظم جدید بر تنگه هرمز است؛ آنها نشان دادند بدون تعارف با کشتی‌های متخلف که بدون هماهنگی با ایران اقدام به تردد در تنگه هرمز می‌کنند برخورد خواهند کرد.

اما شکار کشتی‌ها متخلف در خلیج‌فارس و دریای عمان فقط قسمتی از اخبار میدان نبرد در روز گذشته بود. ظهر دیروز هفدهمین پهپاد MQ۱ ارتش تروریستی آمریکا نیز توسط سامانه نوین پدافند پیشرفته هوافضای سپاه در آسمان جزیره قشم رهگیری و منهدم شد.

نمی‌ترسم ولی از ترس فرار می‌کنم!

روز گذشته وزیر خزانه‌داری بدنام آمریکا در مصاحبه با سی‌ان‌بی‌سی از دلایل پنهان شدن خود گفت. اسکات بسنت در این مصاحبه گفت که یکی از دلایل جابه‌جایی‌اش این بوده که روزنامه وال استریت ژورنال در ژانویه ۲۰۲۵ تصویری هوائی از خانه او در محله جورج‌تاون منتشر کرد. تصویری که باعث می‌شد موقعیت مکانی خانه او آشکار شود. بسنت این را «اقدامی بسیار غیرمسئولانه و خطرناک» خواند. او در حالی که از ترس ایران مجبور به ترک خانه‌اش و زندگی در یک پایگاه نظامی شده به این شبکه آمریکایی گفت از تهدیدهای ایران مرعوب نشده است!

روز گذشته همچنین نیویورک‌تایمز گزارش داد که بسنت به‌دلیل تهدیدهای امنیتی منتسب به ایران خانه خود در منطقه واشنگتن را ترک کرده و به یک پایگاه نظامی منتقل شده است. به گزارش این نشریه آمریکایی این اتفاق در حالی رخ می‌دهد که شماری دیگر از مقام‌های دولت ترامپ نیز محل سکونت خود را به دلایل امنیتی تغییر داده‌اند و واشنگتن همزمان از تهدیدهای مرتبط با ایران سخن می‌گوید.

وزیر خزانه‌داری پرمدعای آمریکا، اواسط تابستان وعده داد ایران ظرف دو هفته از هم می‌پاشد! او مدتی بعد در میانه پاییز باز هم به گنده‌گویی پرداخت و گفت «زمستان برای مردم ایران طولانی و سرد خواهد بود.» اما هنوز به زمستان نرسیده که سیاست‌های او و دیگر همکارانش در دولت ترامپ باعث شکست تحقیرآمیز رئیس‌جمهور آمریکا و حامیانش در انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا شد که ظرف یک دهه اخیر بی‌سابقه است. و البته هنوز زمستان نرسیده که بسنت مجبور به زندگی مخفیانه در یک پایگاه نظامی شده است.

اعتراف رسانه عبری:
به اهدافمان مقابل ایران نرسیدیم

در روز دویست و شصتم جنگ همچنان رسانه‌های عبری و انگلیسی به ارزیابی شکست آمریکا و رژیم صهیونیستی در جنگ با ایران می‌پردازند. روزنامه عبری یدیعوت آحارونوت روز گذشته هشدار داد که اسرائیل در حال تجربه یک وضعیت اضطراری استراتژیک و رو به وخامت است. به نوشته این رسانه عبری‌زبان شکست جمهوری‌خواهان همراه با تغییر افکار عمومی آمریکا نسبت به اسرائیل می‌تواند کنگره را مجبور به اقدامات قانونی علیه تل‌آویو کند. واقعیت آن است که اسرائیل نتوانسته حماس را به طور کامل در نوار غزه شکست دهد و قادر به خلع سلاح حزب‌الله هم نیست.

این نشریه صهیونیستی ادامه داد همچنین اسرائیل قدرت سرنگونی نظام ایران را هم ندارد. علاوه‌بر آن، اسرائیل هنوز قدرت بازدارندگی خود را به طور کامل احیا نکرده و همیشه احتمال انجام حملات غافلگیرکننده از سوی دشمنان وجود دارد.

حجت‌الاسلام حاجی صادقی:

مطالعه کتاب، امروز ضرورتی راهبردی است

نماینده ولی‌فقیه در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به مناسبت سی‌وچهارمین دوره هفته کتاب جمهوری اسلامی ایران پیامی منتشر و تصریح کرد: امروز در دوران پیچیده جنگ نرم و نبرد شناختی دشمنان علیه ملت ایران، افزایش آگاهی و مطالعه کتاب، برای دفاع عالمانه از انقلاب اسلامی، یک ضرورت راهبردی برای شناخت دقیق سازوکارهای توطئه، بازشناختنِ نقشه‌های مکارانه دشمنان و درک لایه‌هایِ پنهانیِ جنگ‌های نوین می‌باشد.

حجت‌الاسلام عبدالله حاجی صادقی، نماینده ولی‌فقیه در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به مناسبت سی‌وچهارمین دوره هفته کتاب جمهوری اسلامی ایران پیامی منتشر کرد.

به گزارش مهر، متن پیام به شرح ذیل است:

بسم‌الله الرّحمن الرّحیم

کتاب، ماندگارترین ابزار انتقال تجارب و اندیشه انسان‌هاست که میراث بشری را از نسلی به نسل دیگر منتقل نموده و پنجره‌ای است رو به افق‌های آینده، پلی است برای ارتباط با اندیشه‌های بشری، پناهگاه آرامی است برای جان‌های جستجوگر و چراغی است در تاریکی نادانی و جهل، که انسان‌ها را به سوی دانایی رهنمون می‌سازد.

خداوند بزرگ در نخستین وحی، با فرمان «اِقرأ»، راهی برای هستی‌شناختی انسان و نظام هستی را به انسان معرفی نمود. این فرمان، نظام و تفکری را بنا نهاد که در آن، خواندن و دانستن، شرط اصلی برای تعالی و کسب درجات انسان محسوب می‌شود. رهبر شهید انقلاب اسلامی (رضوان‌الله تعالی علیه)، همواره بر اهمیت دانش‌اندوزی و مطالعه کتاب در مسیر استقلال و عزت ملت تأکید نموده و معتقد بودند که پیشرفت و پیروزی‌های بزرگ از دلِ جوامع آگاه و دانش‌ورز، حاصل می‌شود. امروز درِ دوران پیچیده جنگ نرم و نبرد شناختی دشمنان علیه ملت ایران، افزایش آگاهی و مطالعه کتاب، برای دفاع عالمانه از انقلاب اسلامی، یک ضرورت راهبردی برای شناخت دقیق سازوکارهای توطئه، بازشناختنِ نقشه‌های مکارانه دشمنان و درک لایه‌های پنهانیِ جنگ‌های نوین می‌باشد، از این رو سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عنوان نهادی برآمده از جامعه ایمانی و به عنوان پاسدار انقلاب اسلامی در تمامی عرصه‌های دانش و آگاهی پیشتاز و مقدم بوده و لازمه این موضوع، آگاهی و دانش برای دفاع عالمانه از انقلاب اسلامی می‌باشد.

لذا، ضرورت دارد پاسداران عزیز و خانواده‌های گرامی آنان که سرمایه اصلی سپاه می‌باشند، نسبت به افزایش آگاهی و دانش خود از طریق توجه و اهمیت به مطالعه کتاب و کتاب‌خوانی تلاش مضاعف نمایند.

ضمن گرامیداشت سی‌وچهارمین دوره هفته کتاب جمهوری اسلامی ایران، انتظار دارد آحاد فرماندهان و مسئولین نسبت به توسعه فرهنگ کتاب‌خوانی در سپاه و فراگیرسازی نهضت کتاب‌خوانی در سپاه، که مطالبه جدی رهبر شهید انقلاب اسلامی (رضوان‌الله تعالی علیه) بوده است اهتمام ورزند.

عبدالله حاجی صادقی
نماینده ولی‌فقیه در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

بررسی ضربه سنگین ایران به معماری اطلاعاتی و دفاع هوائی آمریکا در غرب آسیا

ضربه به چشم راهبردی واشنگتن با انهدام رادار هشدار اولیه آمریکا در بحرین

هدف قرار گرفتن رادار هشدار اولیه ارتش آمریکا در بحرین، یکی از مهم‌ترین ابعاد تحولات نظامی اخیر در منطقه است؛ اقدامی که بر بخشی از معماری اطلاعاتی و دفاع هوائی آمریکا در منطقه تاثیر دارد.

هدف قرار گرفتن رادار هشدار اولیه ارتش آمریکا در بحرین، یکی از مهم‌ترین ابعاد تحولات نظامی اخیر در منطقه است؛ اقدامی که در صورت تأیید میزان خسارت اعلام‌شده، می‌تواند فراتر از انهدام یک سامانه شناسایی، بر بخشی از معماری اطلاعاتی و دفاع هوائی آمریکا در خلیج‌فارس تأثیر بگذارد. اهمیت این عملیات از آن جهت دوچندان است که بحرین میزبان مقر ناوگان پنجم نیروی دریایی آمریکاست و یکی از نقاط اصلی اتصال حضور نظامی واشنگتن به معادلات امنیتی تنگه هرمز به شمار می‌رود.

روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در اطلاعیه شماره ۲۲ اعلام کرد رزمندگان نیروی هوافضای سپاه در پاسخ به تجاوز هوائی دشمن به یک دکل مخابراتی در منطقه سیریک، رادار هشدار اولیه ارتش متجاوز آمریکا در جزیره بحرین را هدف قرار داده و منهدم کرده‌اند.

سپاه در این اطلاعیه ضمن تأکید بر آمادگی کامل برای مقابله با تداوم تجاوزها، این اقدام را هشداری جدی به آمریکا برای پایان دادن به آنچه شیطنت‌های هوائی و قاچاق نفت در تنگه هرمز خوانده است، توصیف کرد.

اما اهمیت این تحول را باید در سطحی فراتر از یک عملیات تلافی‌جویانه بررسی کرد. در جنگ‌های مدرن، رادارها تنها ابزار کشف هواپیما و موشک نیستند؛ بلکه بخشی از شبکه‌ای پیچیده برای تولید اطلاعات، تشخیص تهدید، مدیریت میدان نبرد و هدایت سامانه‌های دفاعی محسوب می‌شوند. به همین دلیل، آسیب‌دیدن یک گره مهم در این شبکه می‌تواند پیامدهایی فراتر از خسارت فیزیکی واردشده به یک تجهیز نظامی داشته باشد.

رادار هشدار اولیه چگونه کار می‌کند و چرا هدف مهمی است؟

رادار هشدار اولیه یکی از اجزای اصلی سامانه‌های مراقبت و دفاع هوائی است که وظیفه دارد تهدیدات احتمالی را در مراحل اولیه شناسایی کند و اطلاعات لازم را در اختیار مراکز فرماندهی قرار دهد.

عملکرد این رادارها بر مبنای ارسال امواج الکترومغناطیسی و دریافت بازتاب آنها از اهداف پرنده است. سامانه با پردازش سیگنال‌های دریافتی می‌تواند موقعیت و برخی ویژگی‌های هدف را مشخص کند و اطلاعات آن را برای بررسی و تصمیم‌گیری به شبکه دفاع هوائی منتقل کند.

در سامانه‌های پیشرفته، فناوری آرایه فازی اهمیت ویژه‌ای دارد. برخلاف رادارهای مکانیکی که برای تغییر جهت تابش باید بخش آنتن را به حرکت درآورند، رادارهای آرایه فازی با کنترل الکترونیکی پرتو، قادرند جهت تابش را با سرعت بسیار بالا تغییر دهند و چندین هدف را به‌صورت همزمان پایش کنند.

نیروی فضائی آمریکا در معرفی رادارهای هشدار اولیه ارتقایافته خود (UEWR) اعلام کرده است که این سامانه‌ها از فناوری آرایه فازی استفاده می‌کنند و قابلیت پوشش ۲۴۰ تا ۳۶۰ درجه دارند. این رادارها برای شناسایی و ردیابی موشک‌های بالستیک قاره‌پیما و موشک‌های بالستیک زیردریاپرتاب و همچنین پایش فضائی به کار گرفته می‌شوند.

البته این مشخصات مربوط به خانواده مشخصی از رادارهای آمریکا است و نمی‌توان آنها را بدون اطلاعات فنی به رادار هدف قرارگرفته در بحرین نسبت داد.

اهمیت چنین سامانه‌هایی را می‌توان در پنج مأموریت اصلی خلاصه کرد:

۱. کشف زودهنگام تهدید: شناسایی اهداف پرنده و موشک‌ها پیش از نزدیک شدن به مناطق حساس.

۲. ردیابی مستمر: ثبت مسیر حرکت اهداف و فراهم کردن اطلاعات لازم برای ارزیابی تهدید.

۳. تشخیص و طبقه‌بندی: کمک به تفکیک اهداف مختلف و ارزیابی ماهیت تهدید.

۴. پشتیبانی از سامانه‌های رهگیر: انتقال داده‌های مورد نیاز برای تصمیم‌گیری و هدایت عملیات دفاعی.

۵. تکمیل تصویر عملیاتی: ایجاد ارتباط اطلاعاتی میان رادارها، مراکز فرماندهی و سایر تجهیزات نظامی.

در حقیقت، رادار هشدار اولیه را باید یکی از چشم‌های شبکه دفاعی دانست؛ چشمی که هرگونه اختلال در عملکرد آن می‌تواند بر سرعت و کیفیت واکنش سایر اجزای شبکه تأثیر بگذارد.

بحرین؛ چرا آمریکا این جزیره را به مرکز نظامی خود تبدیل کرده است؟

برای درک اهمیت هدف قرار گرفتن رادار آمریکایی، باید موقعیت بحرین در ساختار نظامی واشنگتن را شناخت.

بحرین در مجاورت خلیج‌فارس و در نزدیکی یکی از مهم‌ترین گذرگاه‌های راهبردی جهان، یعنی تنگه هرمز، قرار دارد. این موقعیت جغرافیایی، آن را به یکی از نقاط مهم حضور نظامی آمریکا در غرب آسیا تبدیل کرده است.

مقر ناوگان پنجم نیروی دریایی آمریکا و فرماندهی نیروهای دریایی آمریکا در منطقه (NAVCENT) در منامه بحرین مستقر است.

بر اساس اطلاعات رسمی نیروی دریایی آمریکا، حوزه مسئولیت ناوگان پنجم حدود ۲.۵ میلیون مایل مربع وسعت دارد و آب‌های خلیج‌فارس، دریای عمان، دریای سرخ، خلیج عدن و دریای عرب را دربر می‌گیرد. این حوزه سه گذرگاه راهبردی تنگه هرمز، کانال سوئز و باب‌المندب را نیز شامل می‌شود.

این ارقام نشان می‌دهد که حضور آمریکا در بحرین صرفاً به معنای برخورداری از یک پایگاه دریایی نیست؛ بلکه این کشور یکی از مراکز مهم فرماندهی و پشتیبانی عملیات دریایی واشنگتن در منطقه محسوب می‌شود.

در چنین شرایطی، زیرساخت‌های ارتباطی، راداری و شناسایی مستقر در این جغرافیا اهمیت مضاعفی پیدا می‌کنند؛ چراکه بخش مهمی از مأموریت نظامی آمریکا در منطقه بر پایه جمع‌آوری اطلاعات، نظارت بر تحرکات و هماهنگی میان نیروهای دریایی و هوائی استوار است.

از این منظر، هدف قرار گرفتن یک رادار هشدار اولیه در بحرین، حتی اگر به یک سامانه محدود باشد، می‌تواند از نظر راهبردی حامل پیامی فراتر از انهدام یک تجهیز نظامی باشد.

ضربه به زنجیره اطلاعاتی؛
اهمیت واقعی انهدام رادار

یکی از اشتباهات رایج در تحلیل عملیات‌های نظامی، تمرکز صرف بر میزان تخریب فیزیکی تجهیزات است؛ در حالی که در جنگ‌های امروزی، ارزش عملیاتی یک هدف به نقشی بستگی دارد که در شبکه نظامی دشمن ایفا می‌کند.

برای مثال، ممکن است یک رادار از نظر هزینه ساخت و استقرار، در مقایسه با یک ناو جنگی یا جنگنده پیشرفته ارزش کمتری داشته باشد؛ اما اطلاعاتی که این رادار در اختیار شبکه فرماندهی قرار می‌دهد، می‌تواند در عملکرد مجموعه‌ای از تجهیزات بسیار گران‌قیمت تعیین‌کننده باشد.

در یک شبکه یکپارچه دفاع هوایی، مراحل کشف، شناسایی، ردیابی، تصمیم‌گیری و رهگیری به یکدیگر وابسته‌اند. هرگونه اختلال در این زنجیره می‌تواند موجب افزایش فشار بر سایر اجزا شود.

به همین دلیل، هدف قرار دادن زیرساخت‌های شناسایی و هشدار، در کنار انهدام تجهیزات آتش و پدافندی، از جمله ابعاد مهم جنگ‌های شبکه‌محور به شمار می‌رود.

البته ارتش آمریکا از شبکه‌ای چندلایه شامل رادارهای زمینی، هواپیماهای هشدار زودهنگام، حسگرهای فضائی و سامانه‌های ارتباطی استفاده می‌کند. برای نمونه، هواپیمای هشدار زودهنگام E3 سنتری (AWACS) قادر است تصویری لحظه‌ای از فضای عملیاتی ارائه دهد و اطلاعات لازم را میان مراکز فرماندهی و نیروهای رزمی به اشتراک بگذارد. بنابراین، آسیب به یک رادار به معنای از بین رفتن کل شبکه شناسایی آمریکا نیست، اما می‌تواند بخشی از ظرفیت آن را تحت تأثیر قرار دهد.

نکته مهم‌تر آن است که در محیط پرتراکم عملیاتی خلیج‌فارس، کیفیت اطلاعات و سرعت انتقال آن اهمیت ویژه‌ای دارد. هرچه فرماندهان اطلاعات دقیق‌تری از وضعیت آسمان و تحرکات احتمالی در اختیار داشته باشند، امکان واکنش مؤثرتر افزایش پیدا می‌کند.

فناوری آرایه فازی؛
چرا رادارهای مدرن اهمیت ویژه دارند؟

بخش مهمی از پیشرفت رادارهای نظامی در دهه‌های اخیر به توسعه فناوری آرایه فازی مربوط می‌شود.

در این فناوری، به جای اتکا به یک آنتن متحرک، مجموعه‌ای از عناصر فرستنده و گیرنده در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند و با تنظیم الکترونیکی فاز امواج، امکان هدایت پرتو راداری فراهم می‌شود.

مزیت اصلی این فناوری، افزایش سرعت پایش و امکان ردیابی همزمان چندین هدف است. در یک درگیری که احتمال استفاده همزمان از موشک‌ها، پهپادها و هواگردهای مختلف وجود دارد، چنین قابلیتی اهمیت قابل توجهی دارد.

نیروی فضائی آمریکا در توضیحات فنی خود درباره رادارهای هشدار اولیه ارتقایافته، به توانایی این سامانه‌ها در ردیابی چندین هدف، تشخیص نوع اهداف و محاسبه مسیر پروازی آنها اشاره کرده است.

این فناوری همچنین نشان می‌دهد که رادارهای مدرن تنها ابزار مشاهده نیستند؛ بلکه بخشی از چرخه تصمیم‌گیری و مدیریت نبرد محسوب می‌شوند.

از این رو، آسیب دیدن یک سامانه راداری می‌تواند علاوه‌بر خسارت مستقیم، نیاز به استفاده بیشتر از ظرفیت سایر حسگرها و تجهیزات جایگزین را افزایش دهد.

تنگه هرمز؛ جایی که امنیت نظامی با اقتصاد جهانی گره می‌خورد

اشاره سپاه به تنگه هرمز در اطلاعیه شماره ۲۲، بخش مهمی از پیام راهبردی این عملیات را تشکیل می‌دهد.

تنگه هرمز صرفاً یک گذرگاه دریایی در منطقه نیست؛ بلکه یکی از مهم‌ترین شریان‌های انتقال انرژی در جهان محسوب می‌شود. اهمیت این آبراه به اندازه‌ای است که هرگونه اختلال در امنیت آن می‌تواند بازار جهانی انرژی و محاسبات اقتصادی قدرت‌های بزرگ را تحت تأثیر قرار دهد.

بر اساس داده‌های اداره اطلاعات انرژی آمریکا (EIA)، در سال ۲۰۲۴ به‌طور متوسط روزانه حدود ۲۰.۷ میلیون بشکه نفت خام و فرآورده‌های نفتی از تنگه هرمز عبور کرده است. این میزان در نیمه نخست سال ۲۰۲۵ به حدود ۲۰.۹ میلیون بشکه در روز رسیده بوده است.

اداره اطلاعات انرژی آمریکا

این ارقام به‌خوبی نشان می‌دهد که چرا تنگه هرمز همواره در محاسبات امنیتی آمریکا و متحدانش جایگاه ویژه‌ای داشته است.

از نگاه واشنگتن، حفظ امنیت مسیرهای دریایی و جریان انتقال انرژی یکی از مأموریت‌های اصلی حضور نظامی در منطقه است. در چنین فضائی، پیام سپاه درباره مقابله با تجاوزهای هوائی و تخلفات دریایی را باید در چارچوب پیوند امنیت سرزمینی، حاکمیت دریایی و معادلات انرژی جهان بررسی کرد.

پیام نظامی به آمریکا؛ جغرافیای پایگاه‌ها تضمین‌کننده امنیت نیست

یکی از ابعاد مهم عملیات اعلام‌شده، انتقال این پیام است که زیرساخت‌های نظامی آمریکا در منطقه را نمی‌توان مستقل از تحولات امنیتی پیرامون ایران ارزیابی کرد.

آمریکا طی دهه‌های گذشته تلاش کرده است با استقرار نیروها و تجهیزات پیشرفته در کشورهای مختلف منطقه، امکان نظارت مستمر و واکنش سریع به تحولات را برای خود فراهم کند.

اما همین پراکندگی جغرافیایی، در شرایط افزایش تنش، می‌تواند به یکی از چالش‌های امنیتی واشنگتن تبدیل شود. پایگاه‌ها، مراکز فرماندهی، سامانه‌های ارتباطی و زیرساخت‌های شناسایی، همگی در معرض پیامدهای گسترش درگیری قرار می‌گیرند همان‌گونه که در جنگ ۱۲ روزه و جنگ ۴۰ روزه نیروهای مسلح کشورمان در پاسخ به جنایات آمریکا این پایگاه‌ها را در منطقه را هدف حملات دقیق و ویران‌کننده قرار دادند.

در این چارچوب، اهمیت عملیات اعلام‌شده سپاه را می‌توان در سه سطح بررسی کرد:

نخست؛ سطح عملیاتی: هدف قرار گرفتن زیرساخت شناسایی و هشدار می‌تواند بر ظرفیت اطلاعاتی و آگاهی موقعیتی طرف مقابل تأثیر بگذارد.

دوم؛ سطح بازدارندگی: چنین اقدامی نشان می‌دهد که حضور نظامی آمریکا در کشورهای منطقه لزوماً به معنای برخورداری از مصونیت در برابر پیامدهای یک درگیری نیست.

سوم؛ سطح سیاسی و روانی: هدف قرار گرفتن یک زیرساخت نظامی حساس، پیامدهایی برای ارزیابی هزینه و فایده ادامه عملیات نظامی علیه ایران در محاسبات واشنگتن خواهد داشت.

در واقع، بازدارندگی زمانی معنا پیدا می‌کند که طرف مقابل بداند هر اقدام نظامی می‌تواند با هزینه‌ای متناسب و در سطحی فراتر از انتظار او مواجه شود.

جنگ امروز، جنگ بر سر چشم‌ها و گوش‌های میدان نبرد است

تحولات نظامی سال‌های اخیر نشان داده است که درگیری‌های مدرن تنها با تعداد موشک‌ها، جنگنده‌ها و تجهیزات نظامی سنجیده نمی‌شوند. توانایی شناسایی دشمن، اختلال در شبکه اطلاعاتی طرف مقابل، حفظ ارتباطات و مدیریت میدان نبرد، به بخش جدایی‌ناپذیر قدرت نظامی تبدیل شده است.

از این منظر، اقدام اعلام‌شده سپاه در هدف قرار دادن رادار هشدار اولیه آمریکا در بحرین، فارغ از اختلاف روایت‌های تهران و واشنگتن درباره نتیجه نهائی آن، حامل یک پیام راهبردی مهم است: زیرساخت‌های نظامی آمریکا در منطقه بخشی از معادله امنیتی پیرامون ایران هستند و نمی‌توان آنها را از پیامدهای تجاوز نظامی علیه کشورمان جدا دانست.

بحرین به دلیل میزبانی ناوگان پنجم آمریکا و موقعیت جغرافیایی خود در نزدیکی تنگه هرمز، یکی از مهم‌ترین نقاط اتکای واشنگتن در منطقه محسوب می‌شود. به همین دلیل، هرگونه تحول نظامی در زیرساخت‌های این کشور می‌تواند فراتر از یک حادثه محدود، در محاسبات دفاعی و امنیتی آمریکا اثرگذار باشد.

به گزارش مهر، پیام نهائی این تحول برای واشنگتن روشن است: برتری نظامی تنها با استقرار تجهیزات پیشرفته به دست نمی‌آید؛ حفظ امنیت، کارآمدی و پیوستگی شبکه شناسایی و فرماندهی نیز به همان اندازه اهمیت دارد. در جغرافیای راهبردی خلیج‌فارس، هیچ قدرت فرامنطقه‌ای نمی‌تواند هزینه اقدامات نظامی خود را صرفاً در محدوده مرزهای کشور هدف محاسبه کند.

واشنگتن به دنبال پناهگاه امن‌تر چرا انتقال پایگاه‌ها به سرزمین‌های اشغالی امنیت آمریکا را تضمین نمی‌کند؟

پس از ضربات سنگین ایران به پایگاه‌های آمریکا در منطقه، ارتش تروریستی آمریکا در تلاش است تا سرزمین‌های اشغالی را محل اصلی تمرکز و استقرار نیروهای خود قرار دهد.

پس از «جنگ رمضان» و شکست راهبردی آمریکا در برابر ایران، واشنگتن در حال بازنگری بنیادین در معماری نظامی خود در غرب آسیاست؛ بازنگری‌ای که محور اصلی آن، انتقال بخشی از توان نظامی از پایگاه‌های آسیب‌پذیر خلیج‌فارس به سرزمین‌های اشغالی است.

با این حال، این جابه‌جایی جغرافیایی، مسئله بنیادین امنیت را حل نمی‌کند، زیرا همان زرادخانه موشکی که پایگاه‌های آمریکا را در خلیج‌فارس غیرقابل‌دفاع کرد، سرزمین‌های اشغالی را نیز در تیررس خود دارد.

شکست راهبردی که راهبرد را تغییر داد

جنگ رمضان برای واشنگتن نه یک ناکامی تاکتیکی، بلکه یک شکست راهبردی بود. نشریه «فارن افرز» در ارزیابی خود تصریح می‌کند که جنگ علیه ایران «یک شکست راهبردی برای آمریکا در نسبت با اهداف اعلامی‌اش» بود؛ اهدافی مانند تسلیم کامل جمهوری اسلامی، پاکسازی منطقه از نفوذ ایران و متحدان آن و دستیابی به توافقی بهتر، همگی دست‌نیافتنی ماندند.

این نشریه تأکید می‌کند که «موفقیت‌های تاکتیکی واشنگتن نتوانست اشتباهات استراتژیک آن را جبران کند» و جنگ «به شکلی خطرناک زرادخانه آمریکا را تحلیل برد.»

شدت خسارات مادی، عمق این شکست را آشکارتر می‌کند. بر اساس گزارش وال‌استریت ژورنال، از آغاز جنگ رمضان، ایران بیش از دو هزار حمله هوایی، موشکی و پهپادی علیه پایگاه‌های آمریکا در غرب آسیا انجام داد که به دست‌کم ۲۰ سایت نظامی در هشت کشور آسیب زد و ۴۲ فروند هواپیمای نظامی منهدم یا خسارت دید. مجموع خسارات به تجهیزات و زیرساخت‌های آمریکا دست‌کم ۱۳ میلیارد دلار برآورد شد.

آسوشیتدپرس نیز با بررسی تصاویر ماهواره‌ای تأیید کرد که حملات ایران به ۲۶ پایگاه و مکان حاوی تجهیزات آمریکایی آسیب زده یا آنها را تخریب کرده است. نکته راهبردی‌تر آن است که ایران پیش از هدف قرار دادن هواپیماها و ساختمان‌ها، سامانه‌های هشدار زودهنگام و رادارهای آمریکا را از کار انداخت؛ اقدامی که به گفته آسوشیتدپرس «موجب تغییرات چشمگیری در وضعیت حضور آمریکا در خاورمیانه شده است» و آمریکا «بخش بزرگی از دارایی‌ها و تجهیزات خود را از منطقه خلیج‌فارس خارج کرده است.»

منطق انتقال: خروج از تیررس، با حفظ حضور

این خسارات، محاسبه نظامی آمریکا را به سمت یک راه‌حل ظاهراً بدیهی سوق داد: اگر پایگاه‌های خلیج‌فارس در تیررس ایران قرار دارند، باید توان نظامی به جایی منتقل شود که دست‌کم از نظر جغرافیایی دورتر و در چارچوب یک اتحاد راهبردی محکم‌تر باشد.

گزارش‌های متعدد از جمله رسانه‌های عبری و عربی نشان می‌دهند که فرماندهی مرکزی آمریکا (سنتکام) در حال بررسی انتقال بخشی از سیستم‌های عملیاتی پایگاه‌های خود در بحرین، کویت و عربستان سعودی به سرزمین‌های اشغالی است تا «خطر موشک‌ها و پهپادهای ایرانی» را کاهش دهد.

برخی گزارش‌ها از احتمال ایجاد پایگاه‌های دائمی جدید یا گسترش پایگاه هوائی موجود در منطقه نقب خبر می‌دهند. پیش از این نیز، در جریان جنگ، آمریکا ناوگروه «جرالد فورد» را به سمت سواحل مدیترانه در نزدیکی سرزمین‌های اشغالی اعزام کرد تا ضمن حفظ فاصله از تیررس مستقیم ایران، توان بازدارندگی را در چارچوب حمایت از اسرائیل بازآرایی کند.

این انتقال، از منظر واشنگتن، تلاشی است برای حل یک معادله دشوار: چگونه حضور نظامی را حفظ کرد، بدون آنکه نیروها و تجهیزات گران‌قیمت در معرض ضربات موشکی متمرکز و کوبنده قرار گیرند. سرزمین‌های اشغالی، به دلیل عمق استراتژیک محدود اما وابستگی حیاتی به حمایت آمریکا، به عنوان «پناهگاه امن‌تر» نسبت به پایگاه‌های خلیج‌فارس تصور می‌شود.

وضعیت برای آمریکا و رژیم صهیونیستی تغییر نمی‌کند

با این حال، این جابه‌جایی جغرافیایی، مسئله بنیادین را حل نمی‌کند و تنها آن را از یک نقطه به نقطه دیگر منتقل می‌سازد. توان موشکی ایران، که در طول جنگ رمضان کارآمدی خود را در هدف قرار دادن اهداف دوربرد به اثبات رساند، سرزمین‌های اشغالی را نیز با عمق راهبردی اندک، در تیررس کامل قرار می‌دهد.

موشک‌هایی همچون حاج قاسم، خیبرشکن، خرمشهر، فتاح و... با برد بیش از هزار کیلومتر و کلاهک‌های سنگین با قدرت تخریب بالا، برای حمله به اهداف باارزش طراحی شده است. گزارش‌ها حاکی از آن است که برد موشک‌های ایرانی به بیش از ۲۰۰۰ کیلومتر رسیده و محدودیت‌های پیشین برد برداشته شده است؛ رقمی که به‌صراحت «دسترسی به جنگنده‌های رژیم صهیونیستی در قبرس و یونان و پایگاه‌های آمریکا در اروپا» را فراهم می‌کند.

از این رو انتقال تجهیزات آمریکایی به سرزمین‌های اشغالی نه یک راه‌حل راهبردی، بلکه یک «مدیریت ریسک» است که همچنان در چارچوب همان معادله آسیب‌پذیری عمل می‌کند. ایران با اتخاذ تاکتیک‌های نامتقارن و استفاده انبوه از موشک‌ها و پهپادهای ارزان اما مؤثر و پیشرفته، توانسته است پدافند دشمن را اوت‌نامبر کند و ضربات مهلکی به توان نظامی منطقه‌ای آمریکا و رژیم صهیونیستی وارد آورد. این توان، محدود به جغرافیای خلیج‌فارس نیست و هر نقطه‌ای را که آمریکا برای استقرار نیروهایش انتخاب کند، دربر می‌گیرد.

تغییر مکان، بدون تغییر معادله

آنچه پس از جنگ رمضان رخ می‌دهد، نه پایان راهبرد نظامی آمریکا در منطقه، بلکه تغییر شکل آن است: از تمرکز بر پایگاه‌های گسترده و آسیب‌پذیر در خلیج‌فارس به سمت استقرار در عمق سرزمین‌های اشغالی، با این امید که فاصله جغرافیایی و پیوند سیاسی با رژیم صهیونیستی، سطح حفاظت را افزایش دهد. اما این امید با واقعیت توان موشکی ایران، که در طول جنگ کارآمدی خود را در هدف قرار دادن اهداف دوربرد نشان داد، در تضاد قرار می‌گیرد.

به گزارش مشرق، سرزمین‌های اشغالی، به دلیل وسعت محدود و تمرکز زیرساخت‌های حیاتی، در برابر حملات موشکی و پهپادی حتی آسیب‌پذیرتر از پایگاه‌های پراکنده در کشورهای عربی هستند. بنابراین، انتقالِ قدرت نظامی آمریکا به آنجا، مسئله امنیت را حل نمی‌کند؛ بلکه صرفاً معادله بازدارندگی را به مرحله‌ای جدید منتقل می‌کند که در آن، ایران همچنان در صورت اراده، قادر به هدف قرار دادن همان توان نظامی است- این بار در قلب اتحاد راهبردی واشنگتن- تل‌آویو.

مدیر سابق صداوسیما مستنداتی درباره ادعاهای اخیر خود نزد مقام قضائی ارائه نکرد

مدیر سابق صداوسیما پس از حضور در دادسرا هیچ مستنداتی درباره ادعاهای اخیر خود نزد مقام قضائی ارائه نکرد.

به گزارش قوه قضائیه، پس از اظهارات یک مدیر سابق صدا و سیما که در موضوعات مختلف ادعاهایی مطرح کرده بود، دادستانی تهران او را برای ارائه مستندات ادعاهای صورت گرفته به مرجع قضائی احضار کرد.

در پی حضور نامبرده در دادستانی تهران، مقام قضائی خواستار ارائه مستندات درباره ادعاهای در رابطه با «شورای موقت رهبری اصل ۱۱۱ قانون اساسی و همچنین برکناری رئیس سازمان صداوسیما» شد که این مدیر سابق صداوسیما نتوانست مستندات و توضیحات قانع‌کننده‌ای دال بر صحت ادعاهای خود ارائه کند.

نامبرده هم بعد از احضار با انتشار پستی در فضای مجازی، اعلام کرد: «در مصاحبه هیچ‌گاه در مورد شورای اصل ۱۱۱ قانون اساسی چنین نگفته‌ام و تلویحا هم قصد بیان آن را نداشتم... درباره برکناری رئیس صداوسیما از موضوع اطلاع رسمی نداشتم.»

بازداشت یکی از لیدرهای فرقه تروریستی سلطنت‌طلبان در آمریکا

پهلوی از جریان آلوده بلاگری برای سفیدشویی مواردی چون حمله به خاک ایران؛ همکاری با دولت‌های خارجی و نیز بهره‌برداری از جریان‌های رادیکال استفاده می‌کند.

اداره مهاجرت و گمرک آمریکا اعلام کرد فرزاد توتونی، معروف به «تونی توتونی»، چهره مشهور اینستاگرامی ایرانی‌تبار که با نمایش زندگی تجملاتی، خودروهای گران‌قیمت و دلالی جنسی از دختران شناخته می‌شود، در لس‌آنجلس توسط مأموران این اداره بازداشت شد.

انتشار خبر بازداشت این چهره در روزهای اخیر، بار دیگر نام او را در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی مطرح کرده است؛ فردی که علاوه‌بر شهرت در فضای مجازی، با سوابق متعدد کیفری، فعالیت در حوزه فساد جنسی با چهره‌هایی نظیر رضا پهلوی نیز در ارتباط بوده است.

بر اساس اطلاعیه اداره مهاجرت آمریکا، مأموران این نهاد توتونی را در لس‌آنجلس بازداشت کردند. او هنگام انتشار خبر در بازداشت ICE قرار داشت و روند اخراج مهاجرتی‌اش از ایالات متحده در جریان بود.

مقام‌های آمریکایی در اطلاعیه خود از توتونی با عنوان «شاه ایرانی اینستاگرام» یاد کرده‌اند؛ این لقب را طرفدارانش به دلیل محتواهای لاکچری اینستاگرامی به او داده بودند.

تصویر مشترک رضا پهلوی، مکس امینی و فرزاد «تونی» توتونی که طی روزهای گذشته در فضای مجازی بازنشر شده بود، در سپتامبر ۲۰۲۴ توسط خود توتونی در حساب کاربری‌اش در توئیتر منتشر شده است. او در توضیح این عکس نوشته بود: «یکی شاه ایران و دیگری شاه کمدی».

این تصویر در میان مطالبی در حساب کاربری توتونی منتشر شده بود که بنا بر محتوای قابل مشاهده، عمدتاً شامل محتوای پورنوگرافیک و مرتبط با قمار و شرط‌بندی است. جالب‌تر این است که دیدار مذکور با اعتراض‌ها و اعتصاب‌های صنفی در ایران، از جمله تجمعات پرستاران در چندین شهر و تخصیص منابع مالی منتسب به صندوق اعتصابات، کمپین مالی که رضا پهلوی راه‌اندازی کرده بود؛ همزمان بود.

توتونی بیش از یک میلیون دنبال‌کننده داشت و اکنون صفحه‌اش توسط اداره مهاجرت حذف شده است. بخش عمده محتوای منتشرشده در صفحه او به نمایش ثروت، خودروهای لوکس، هواپیماهای شخصی، انبوهی از پول نقد، مهمانی‌های مجلل و تصاویر زنان اختصاص داشت. او با انتشار تصاویر و ویدئوهایی از زندگی پرهزینه و روابط خود با زنان، تصویری از سبک زندگی متفاوت و اشرافی را در فضای مجازی به نمایش می‌گذاشت؛ محتوایی که در کنار شهرت مجازی، او را به چهره‌ای جنجالی تبدیل کرده بود.

سوابق مهاجرتی و ورود غیرقانونی به آمریکا

بخش مهمی از اطلاعیه اداره مهاجرت آمریکا به سابقه حضور توتونی در این کشور و چندین مرحله صدور حکم اخراج او اختصاص دارد. طبق اطلاعات منتشرشده، توتونی در سال ۱۹۸۳ به‌صورت قانونی وارد ایالات متحده شد، اما در سال ۱۹۹۳ نخستین حکم اخراج او از سوی قاضی مهاجرت صادر شد. این روند در سال ۱۹۹۹ نیز تکرار شد و در نهایت او به مکزیک دیپورت شد.

با وجود این، توتونی در سال ۲۰۱۱ بار دیگر وارد خاک آمریکا شد؛ ورودی که مقام‌های مهاجرتی اکنون آن را غیرقانونی توصیف کرده‌اند. نکته قابل توجه در این پرونده، شرحی است که خود او درباره نحوه ورود مجددش ارائه کرده است. بر اساس اطلاعیه ICE، توتونی گفته است که در چهارم‌آوریل ۲۰۱۱، از طریق رودخانه‌ای در نزدیکی منطقه سنت کلر در ایالت میشیگان، با استفاده از یک قایق بادی برقی که در کانادا خریداری کرده بود، وارد آمریکا شده است.

از جعل و سرقت تا آدم‌ربایی و اخاذی

یکی از مهم‌ترین بخش‌های پرونده فرزاد توتونی، سوابق کیفری اوست. بر اساس اطلاعیه رسمی ICE، سوابق قضائی و برخوردهای انتظامی مرتبط با او دست‌کم به سال ۱۹۸۹ بازمی‌گردد و مجموعه‌ای از جرایم مالی، سرقت، جعل و جرایم خشونت‌آمیز را دربر می‌گیرد.

مقام‌های آمریکایی از مواردی همچون تهدیدهای جنایی، توطئه برای ارتکاب جرم و نگهداری و فروش مواد مخدر در سوابق بازداشت او نام برده‌اند. همچنین طبق همین اطلاعیه، توتونی در پرونده‌هایی مرتبط با صدور چک جعلی، سرقت اطلاعات و کارت‌های دسترسی، نگهداری یا دستکاری تجهیزات مربوط به این کارت‌ها، جعل اسناد، آدم‌ربایی، سرقت و اخاذی محکوم شده و بیش از ۱۶ ماه زندان را تحمل کرده است.

فعالیت در حوزه محتوای جنسی و مهمانی‌های پرحاشیه

بخش دیگری از شهرت توتونی به انتشار تصاویر و ویدئوهای جنسی و ارتباط او با فضای سرگرمی غیراخلاقی بازمی‌گردد. اداره مهاجرت آمریکا در اطلاعیه خود، محتوای صفحه اینستاگرامی او را شامل تصاویر و ویدئوهای بزرگسالان توصیف کرده است.

او در کنار نمایش خودروهای گران‌قیمت، هواپیماهای شخصی و دارایی‌های لوکس، تصاویر متعددی از زنان و مهمانی‌های خصوصی منتشر می‌کرد. همین سبک فعالیت، صفحه او را به یکی از نمونه‌های شناخته‌شده نمایش زندگی پرزرق‌وبرق و محتوای جنسی در اینستاگرام تبدیل کرده بود. او همچنین در محافل مهمانی‌های خصوصی، فعالیت‌های جنسی و دلالی دختران نیز فعال بوده است.

نکته قابل توجه از سوی تروریسم سلطنتی در استفاده از بلاگرها نیز قابل توجه است، پهلوی از این جریان آلوده برای سفیدشویی مواردی چون حمله به خاک ایران؛ همکاری با دولت‌های خارجی و نیز بهره‌برداری از جریان‌های رادیکال استفاده می‌کند.

هدف راهبردی تروریسم سلطنتی از حمله به زیرساخت‌ها، نه صرفاً ایجاد اختلال مقطعی، بلکه تولید یک «شوک ساختاری» برای باز کردن فضای عملیاتی و تغییر ماهیت درگیری است. از نگاه موساد در ایران باید یک فروپاشی کنترل‌نشده شکل گیرد و زدن زیرساخت‌ها باعث خلق این تصویر خواهد شد.

به گزارش مشرق، همچنین تخریب زیرساخت‌ها و ناامن‌سازی، پیش‌شرط ورود هسته‌های مسلح به عرصه خیابان است. این راهبرد مرز میان «اعتراض» و «اغتشاش سازمان‌یافته» را حذف کرده و یک جنگ داخلی گسترده با تلفیق عناصر تروریستی را محقق می‌سازد.

در این پروژه، هدف نهائی تثبیت یک «جنگ فرسایشی» است که در آن هزینه حفظ امنیت به‌طور تصاعدی افزایش یافته و آستانه تحمل اجتماعی از درون کاسته شود؛ بدون آنکه نیروی متجاوز نیاز به حضور مستقیم و پرهزینه داشته باشد.

سندرز:

جنگ‌های ویتنام، عراق و حالا ایران بر پایه دروغ بودند ۶۰ درصد مردم آمریکا پس‌اندازی ندارند و با حقوق ماهانه خود سپری می‌کنند

سناتور ارشد آمریکایی برنی سندرز روز شنبه با ابراز نگرانی درباره وضعیت اقتصادی مردم آمریکا تأکید کرد که واشنگتن باید به «جنگ فاجعه‌بار» علیه ایران خاتمه دهد.

سندرز با انتشار پیامی در شبکه اجتماعی ایکس با اشاره به نتایج انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا گفت که حزب پیروز باید تغییرات واقعی در ایالات متحده ایجاد کند.

وی در این باره اظهار داشت: «در روز انتخابات، مردم آمریکا در سراسر کشور پیام بسیار قدرتمندی به طبقه حاکم کشورمان فرستادند. آن‌ها با صدایی بلند و به‌شکل غافلگیرکننده‌ای یکپارچه، به دروغ‌گویی بیمارگونه ترامپ، تحقیر قانون اساسی و حاکمیت قانون توسط او، خودشیفتگی‌اش، فسادش و سیاست‌های فاجعه‌بارش «نه» گفتند. اما چیز بیشتری هم گفتند.»

برنی سندرز با اشاره به اختلافات طبقاتی گسترده در آمریکا افزود: «در زمانی که ۶۰ درصد مردم ما از یک حقوق به حقوق بعدی زندگی می‌کنند (هیچ پس‌اندازی ندارند)، زمانی که نابرابری درآمد و ثروت بی‌سابقه‌ای داریم، زمانی که بالاترین نرخ فقر کودکان را در میان همه کشورهای صنعتی داریم، زمانی که میلیون‌ها سالمند نمی‌توانند با کرامت بازنشسته شوند، زمانی که نسل جوان ما ممکن است سطح زندگی پایین‌تری از والدینشان داشته باشند، خانواده‌های کارگر به تغییر رأی دادند، یک تغییر واقعی.»

سناتور ارشد آمریکایی خواستار تغییر اساسی در عرصه سیاسی و اقتصادی آمریکا شد و گفت: «موضوع فقط نتایج انتخابات نبود. بر اساس نظرسنجی اخیر آسوشیتدپرس (AP)، ۸۰ درصد از رأی‌دهندگان خواهان «دگرگونی کامل و همه‌جانبه» یا «تغییری اساسی» در نحوه اداره این کشور هستند؛ این آمار شامل ۹۷ درصد از دموکرات‌ها، ۹۰ درصد از افراد مستقل و ۵۸ درصد از جمهوری‌خواهان می‌شود.»

سندرز تأکید کرد که دموکرات‌ها دیگر حق بهانه‌گیری ندارند و گفت: «دیگر شعارهای توخالی و پیام‌رسانی نظرسنجی‌محور بس است. دیگر بس است از اینکه بارها و بارها به مردم بگویید ترامپ و جمهوری‌خواهان چقدر وحشتناک هستند. دیگر بهانه‌ای نیست. اکثریت جدید دموکرات باید برای طبقه کارگر مدت‌ها نادیده گرفته‌شده عمل کند. آیا ترامپ این قوانین را وتو خواهد کرد؟ شاید، شاید نه. اگر لایحه‌ها را امضا کند، مردم آمریکا سود خواهند برد و سپاسگزار خواهند بود. اگر نکند، جمهوری‌خواهان بهای سیاسی وحشتناکی خواهند پرداخت.»

سناتور ارشد آمریکایی در ادامه به ۹ حوزه مختلف اشاره کرد که باید شاهد تحولات اساسی در آمریکا باشد.

برنی سندرز با انتقاد از وضعیت نظام بهداشت و درمان آمریکا گفت: «نظام بهداشت و درمان ما معیوب و به‌شدت گران است... بیش از ۹۰ میلیون آمریکایی بدون بیمه یا با بیمه ناکافی هستند، سالانه بیش از نیم میلیون نفر به دلیل بدهی پزشکی ورشکست می‌شوند و بیش از ۶۰ هزار نفر به دلیل ناتوانی در پرداخت هزینه درمان، جان خود را از دست می‌دهند.»

وی با انتقاد از نابرابری شدید درآمد و ثروت در آمریکا شرح داد: «امروز در آمریکا نابرابری درآمد و ثروت بیشتری نسبت به هر زمان دیگری در تاریخ ما وجود دارد. یک درصد ثروتمند اکنون ثروت بیشتری از ۹۳ درصد پایین‌تر دارد. ایلان ماسک به تنهائی ثروت بیشتری از ۵۳ درصد پایین‌تر خانوارهای آمریکایی دارد.»

به گزارش فارس، سندرز درباره دستمزدهای پایین در آمریکا گفت که ۶۰ درصد مردم آمریکا پس‌اندازی ندارند و با حقوق ماهانه خود سپری می‌کنند. وی خواستار افزایش بیش‌از ۲٫۵ برابری حداقل دستمزد (از ۷٫۲۵ به ۲۰ دلار) شد.

سناتور ارشد آمریکایی خواستار حمایت از سالمندان در این کشور شد و با ابراز نگرانی درباره وضعیت سالمندان گفت: «یک‌سوم سالمندان با مشکلات اقتصادی دست و پنجه نرم می‌کنند و بیش از ۲۰ درصد آن‌ها تلاش می‌کنند با درآمدی کمتر از ۱۵ هزار دلار در سال زندگی خود را بگذرانند. نزدیک به نیمی از آمریکایی‌های مسن، هیچ‌گونه پس‌انداز بازنشستگی ندارند. در همین حال، میلیاردرها همان مبلغی را به صندوق تأمین اجتماعی می‌پردازند که فردی با درآمد ۱۸۴٫۶۰۰ دلار در سال می‌پردازد. این وضعیت غیرمنطقی است.»

برنی سندرز همچنین خواستار اصلاحاتی در حوزه‌های هوش مصنوعی و رباتیک، تغییرات اقلیمی، هزینه‌های نظامی، مهاجران و پلیس مهاجرت، نظام مالی در کمپین‌های انتخاباتی شد.

سندرز با انتقاد از جنگ علیه ایران گفت: «جنگ‌های ویتنام، عراق و اکنون ایران بر پایه دروغ بودند. ما بیشتر از شش کشور بعدی برای ارتش هزینه می‌کنیم، اما پنتاگون بارها در حسابرسی‌های مستقل شکست می‌خورد و نمی‌تواند تریلیون‌ها دلار هزینه را حسابرسی کند.»

سناتور ارشد آمریکایی افزود: «جنگ غیرقانونی ترامپ در ایران صدها میلیارد دلار برای ما هزینه دارد. ما باید به این جنگ فاجعه‌بار پایان دهیم، بودجه دولت نسل‌کش در اسرائیل را قطع کنیم و هزینه‌های نظامی را به‌طور قابل‌توجهی کاهش دهیم.»

تاکنون چندین کارشناس و سیاستمدار آمریکا از تجاوز نظامی علیه ایران انتقاد کرده‌اند. تحلیلگران با اشاره به پیامدهای اقتصادی این جنگ برای مردم آمریکا، خواستار توقف فوری درگیری‌ها شده‌اند.

کارشناسان و سیاستمداران مختلف از جمله ترامپ و معاونش جی‌دی ونس اذعان کرده‌اند که جنگ علیه ایران و تبعات آن منجر به شکست هم‌حزبی‌های ترامپ در انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا شده است.